

ادبیات معاصر ایران

(ویژه دانش پژوهان و دانشجویان مترجمی زبان انگلیسی)



پدیدآورنده: سهراب فاضل (عضو هیئت علمی دانشگاه و مدرس زبان و ادبیات فارسی)

مؤسسه فرهنگ و اندیشه ماهیار ایرانیان (فاما)

۱۴۰۱

ادبیات معاصر ایران

(ویژه دانش‌پژوهان و دانشجویان مترجمی زبان انگلیسی)

انتشارات: نشر دانشگاهی فرمند

پدید آورنده: سهراب فاضل

ویراستار: مهرناز فاضل

صفحه آرا: زهرا طاهری

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۱۵-۵۰-۹

مؤسسه فرهنگ و اندیشه ماهیار ایرانیان (فاما)



- | | |
|-------------------------|--|
| سرشناسه | : فاضل، سهراب، ۱۳۴۳ - |
| عنوان و نام پدیدآور | : ادبیات معاصر ایران (ویژه دانش‌پژوهان و دانشجویان مترجمی زبان انگلیسی) / پدیدآورنده سهراب فاضل |
| مشخصات نشر | : تهران: نشر دانشگاهی فرمند، ۱۴۰۱. |
| مشخصات ظاهری | : مشخصات : ۱۲۶ ص. |
| شابک | : 978-622-7315-50-9 |
| وضعیت فهرست نویسی | : فیبا |
| یادداشت | : کتابنامه: ص. ۱۲۳ - ۱۲۶. |
| موضوع | : ادبیات فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
Persian literature -- 20th century -- History and criticism |
| رده بندی کنگره | : PIR۳۵۳۰ |
| رده بندی دیویی | : ۰/۹۰۶۲۸۱ |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۸۹۹۷۹۵۲ |
| اطلاعات رکورد کتابشناسی | : فیبا |

حق هرگونه چاپ و انتشار بدون مجوز از مؤلفان پیگرد قانونی دارد.

فهرست

ادبیات چیست؟	۱۱
تعریف ادبیات	۱۱
انواع ادبیات	۱۴
۱. ادبیات پایداری	۱۴
۲. ادبیات ایران قدیم	۲۰
۳. ادبیات عرفانی (صوفیانه)	۲۱
۴. ادبیات عامیانه	۲۳
۵. ادبیات علمی - تخیلی	۲۴
۶. ادبیات خیال‌پردازی (فانتزی)	۲۷
انواع سبک‌های شعر در ایران	۲۸
سبک ادبی چیست؟	۲۸
انواع سبک‌های رایج در شعر فارسی	۲۹
۱. سبک خراسانی	۲۹
۲. سبک عراقی	۳۲
۳. سبک هندی	۳۴
۴. سبک بازگشت ادبی	۳۷
۵. سبک معاصر	۳۹

۴۶	قالب‌های اولیه شعر معاصر
۴۶	چهارپاره
۴۷	بحر طویل
۴۸	نقش موسیقی در شعر
۵۰	تصویرسازی در شعر
۵۰	تصویرسازی در بوستان سعدی و شاهنامه
۵۲	نگارگری خیال‌انگیز ایرانی و ادبیات
۵۸	نثر
۵۹	گونه‌های مختلف نثر
۶۲	سبک‌های نثر فارسی
۶۲	۱- نثر مرسل یا ساده
۶۳	۲- نثر مسجع یا موزون
۶۵	۳- نثر فنی
۶۶	۴- نثر متکلف مصنوع
۶۷	۵- نثر شکسته یا نگارش به شیوه زبان محاوره
۷۰	دوره‌های نثر فارسی
۷۰	نگاه جامعه‌شناختی به ادبیات معاصر
۷۱	برگزیده متون نظم و نثر فارسی معاصر
۷۱	۱. پروین اعتصامی (۱۲۸۵-۱۳۲۰ ه.ش)
۷۲	۲. ملک‌الشعراى بهار (۱۲۶۶-۱۳۳۰ ه.ش)
۷۲	۳. نیما یوشیج (۱۲۷۴-۱۳۳۸ ه.ش)
۷۴	۴. سهراب سپهری (۱۳۰۷-۱۳۵۹ ه.ش)
۷۶	۵. قیصر امین‌پور (۱۳۳۸-۱۳۸۶ ه.ش)
۸۳	۶. علی معلم دامغانی (۱۳۳۰ ه.ش)
۸۴	۷. فاطمه راکعی (۱۳۳۳ ه.ش)
۸۵	۸. علی موسوی گرمارودی (۱۳۲۰ ه.ش)

۱۰. مهدی اخوان ثالث (۱۳۰۷-۱۳۶۹) ۸۷
۱۱. سیاوش کسرای (۱۳۰۵-۱۳۷۴) ۸۹
۱۲. فریدون مشیری (۱۳۰۵-۱۳۷۹) ۱۰۲
۱۳. محمدرضا شفیعی کدکنی (ت. ۱۳۱۸) ۱۰۴
- نثر معاصر ۱۰۷
- نون والقلم ۱۰۷
- دا ۱۱۳
- «چهل روز عاشقانه» محمدرضا سنگری ۱۱۸
- «نورالدین پسر ایران» (خاطرات نورالدین عافی) معصومه سپهری (ت. ۱۳۵۲) ۱۱۹
- منابع و مأخذ ۱۲۳

مقدمه

کتاب حاضر تلاشی برای آشنایی دانش‌پژوهان و دانشجویان (به‌ویژه دانشجویان رشته مترجمی زبان انگلیسی) با گنجینه غنی و پربر ادبیات معاصر ایران است.

از آنجا که مؤلفان طیف گسترده‌ای از دانش‌پژوهان و دانشجویان را مخاطب این کتاب دانسته‌اند، تلاششان بر این بوده تا با توجه به سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از طرح مباحث پراکنده یا بسیار کلی پرهیز کنند و تا حد امکان مطالبی را گردآوری نمایند که برطرف‌کننده نیاز دانشجویان باشد؛ از این‌رو با استادان مختلف رشته زبان و ادبیات فارسی مشورت شده و پس از نظرخواهی و انجام اصلاحات لازم، تجدیدنظر نهایی به عمل آمده و کتاب حاضر تهیه و تدوین شده است.

به‌منظور آشنایی بهتر و بیشتر دانشجویان با آثار مختلف ادبیات فارسی معاصر، سعی شده در قسمت‌های مختلف نمونه‌های جذاب و قابل‌توجهی از انواع شعر و نثر فارسی معاصر ارائه شود تا زمینه درک و فهم مباحث با بیان شاهد و مثال بیشتر فراهم گردد. در پایان مؤلفان لازم می‌دانند از همیاری صمیمانه استادان محترم و دوستان عزیز، کمال تشکر و سپاسگزاری را داشته باشند. امید است در آینده نزدیک و با استفاده از پیشنهادهای و نظره‌های اصلاحی همکاران و علاقه‌مندان محترم، زمینه تألیف بهتر و شایسته‌تری از این اثر فراهم شود.

سهراب فاضل

ادبیات چیست؟

تعریف ادبیات

ادبیات به مجموعه سخن‌های انسانی که در قالب‌های گفتاری، نوشتاری و یا دیگر قالب‌ها مانند قالب الکترونیکی گردآمده باشند، گفته می‌شود. ادبیات برای تبادل تجربیات پرمفهوم موجودیت یافته و به ما فرصت می‌دهد تا در انواع تجربیات به شکلی تخیلی شرکت کنیم. ادبیات به ما فرصت می‌دهد تا کامل‌تر، عمیق‌تر، غنی‌تر و هشیارتر زندگی کنیم (پرین، ۱۳۷۱: ۱۷). ملت‌ها و تیره‌ها همان‌گونه که دارای نهادها، مکتب‌های فلسفی یا دوران‌های تاریخی هستند، می‌توانند دارای ادبیات نیز باشند. در باور همگانی ادبیات یک تیره یا ملت، مجموعه متن‌هایی است که آثار ماندگار و برجسته پیشینیان و هم‌روزگاران آن تیره و ملت را تشکیل می‌دهد. یکی از طبقه‌بندی‌های مشهور و پرکاربرد متن‌های ادبی، طبقه‌بندی دوگانه‌ای است که بر اساس آن متن‌ها به دو گونه اصلی شعر و نثر تقسیم می‌شوند؛ این طبقه‌بندی سنت دیرینه‌ای در زبان فارسی و ادبیات جهان دارد و سخنوران و فیلسوفان از دیرباز در پی پررنگ کردن خط ظریف میان این دو و ارائه تعریفی فراگیر و تمیزدهنده از شعر و نثر بوده‌اند.

ادب واژه‌ای است معرب از فارسی؛ این واژه از دیدگاه واژه‌شناسان به معنی ظرف و حسن تناول آمده است؛ برخی نیز در فارسی، ادب را به معنی فرهنگ ترجمه کرده‌اند و گفته‌اند که ادب یا فرهنگ، همان دانش است و با علم فرق چندانی ندارد.

اما ادب در معنی اصطلاحی آن از دیدگاه ادبای قدیم کمی مختلف است؛ بعضی آن را فضیلت اخلاقی، برخی پرهیز از انواع خطاها و برخی آن را مانند فرشته‌ای دانسته‌اند که صاحبش را از ناشایستی‌ها بازمی‌دارد.

اما علم ادب (ادبیات) یا سخن‌سنجی در دیدگاه پیشینیان به دانش‌آشنایی با نظم و نثر از جهت درستی و نادرستی و خوبی و بدی و مراتب آن اشاره داشته است. برخی ادیب را کسی می‌دانستند که عالم بر علوم نحو، لغت، صرف، معنی، بیان، عروض، قافیه و فروع باشد و برخی خط، قرض‌الشعر، انشا، محاضرات و تاریخ را هم جزو آن‌ها دانسته‌اند.

یکی از تعریف‌های جامع از علم ادب را احمد هاشمی در کتاب جواهرالادب آورده است؛ وی این علم را شامل چهار رکن به این شرح دانسته است:

۱. قوای فطری و عقلی: که شامل هوش، خیال، حافظه، حس و ذوق می‌شود؛
۲. قوانین و اصول نظم و نثر و حسن تألیف و انواع انشا و شعر و فنون سخن‌رانی؛
۳. مطالعه آثار شیواسنخان و پژوهش کامل در جزئیات آن‌ها؛
۴. کوشش بسیار در جهت تسلط بر سبک‌های ادبای قدیم و پیروی از زبان‌آوران و شیواسنخان در حل و عقد نظم و نثر.

واژه ادبیات بسته به اینکه چه کسی آن را به کار ببرد، معانی متفاوتی می‌یابد. ادبیات را می‌توان برای اشاره به هر نوع مدرک نمادین مانند تصویر نیز استفاده کرد؛ به بیان بهتر این اصطلاح را می‌توان برای اشاره به هر نوع مجموعه‌ای از حروف استفاده کرد. امام جعفر صادق (ع)، ادبیات را به این شکل توصیف

کرده است: ادبیات، لباسی است که شخص بر تن گفته‌ها و نوشته‌های خویش می‌کند تا آن را زیباتر جلوه دهد؛ ایشان می‌افزاید که ادبیات برشی از زندگی است که به آن معنا و جهت داده و بر اساس دید مخاطب، تفسیری هنری از جهان ارائه می‌دهد. رومان یا کوبسون، منتقد بزرگ ادبی، ادبیات را خشونت‌ی سازمان‌یافته علیه گفتار عادی توصیف می‌کند و به این شکل می‌خواهد انحراف ادبیات از ساختار محاوره‌ای و روزمره از کاربرد واژه‌ها را نشان دهد و آبرامز ادبیات را به معنی نوشته‌های داستانی و تخیلی اعم از شعر، داستان منشور و نمایشنامه می‌داند (آبرامز، ۱۳۸۷: ۲۲۵). داستان‌های مصور، ابرمتن‌ها و نقاشی‌های غارها هرکدام در زمان خود مرزهای ادبیات را گسترش بیشتری داده‌اند.

مردم غالباً بین ادبیات و آثار مکتوب دیگر تفاوت قائل می‌شوند. اصطلاحات «تخیل ادبی» و «شایستگی ادبی» غالباً به‌منظور تشخیص آثار ادبی از یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ مثلاً تقریباً تمام انسان‌های باسواد دنیا آثار چارلز دیکنز را در زمره «ادبیات» به حساب می‌آورند؛ در حالی که برخی از منتقدین، آثار بسیاری از نویسندگان را در گستره ادبیات طبقه‌بندی نمی‌کنند.^۱ گاهی اوقات ممکن است منتقدان برخی از آثار را به دلایلی همچون سطح پایین دستور زبان و نحو، داشتن خط داستانی باورنکردنی یا گسیخته و یا داشتن شخصیت‌های متناقض یا غیرقابل‌باور از زمره آثار ادبی حذف کنند.

۱. برای مثال برخی منتقدان ادبی، آثار جفری آرچر را شایسته گنجانده شدن تحت عنوان «ادبیات انگلیسی» نمی‌دانند.

انواع ادبیات

۱. ادبیات پایداری

ادبیات پایداری، نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات معنوی و مادی آن‌ها را تهدید می‌کند، به وجود می‌آید؛ به‌عنوان نمونه می‌توان برخی از ویژگی‌های خاص شعر پایداری اعم از تعهد و دعوت به تلاش و قیام و ایستادگی و ... را در نمونه‌های زیر مورد توجه قرار داد:

و جبهه، مدرسه است

کلاس ما آنجاست

شتاب کن برویم

که دیر خواهد شد

تفنگ را بردار

امام می‌آید

و امتحان نهایی شروع خواهد شد. (سلمان هراتی)

ادبیات پایداری، ادبیات سستی‌هندگی و عشق است؛ ادبیات توفنده و پرتلاطمی که آلودگی به یأس و سکون را نمی‌پذیرد و مانند روح، پیوسته در کالبد خمود ادبیات هر عصر دمیده می‌شود؛ در واقع این گونه ادبی، در طول تاریخ و در کشاکش تهاجم قدرت‌ها و تدافع جوامع سلطه‌ناپذیر، همواره به‌مثابه ابزار و سلاحی بازدارنده مورد توجه شاعران قرار گرفته و موجبات احیاء، تداوم و بقای فرهنگی جوامع مورد هجوم یا تحت سلطه را فراهم آورده است.

آن روز

بگشوده بالوپر

با سر به سوی وادی خون رفتی

گفتی:

«دیگر به خانه باز نمی‌گردم

امروز من به پای خودم رفتم

فردا

شاید مرا به شهر بیارند

- بر روی دست‌ها»

اما

حتی تو را به شهر نیاوردند

گفتند:

«چیزی از او به‌جای نمانده است

جز راه ناتمام» (قیصر امین‌پور)

به‌بیان‌دیگر ادبیات پایداری نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات معنوی و مادی آن‌ها را تهدید می‌کند به وجود می‌آید؛ این گونه ادبی عموماً با زبانی صریح بیان می‌شود و با توجه به شرایط و مقتضیات هر دوره تاریخی جلوه آن و نحوه بروز و ظهورش می‌تواند متفاوت با دوره دیگر باشد؛ چنان‌که در یک برهه تاریخی نوع ادب معترض، افشاگر و هشداردهنده و در دوره‌ای دیگر نوع ادب عارفانه و زاهدانه و در روزگاری دیگر ادب سوگ و مرثیه را در مجموعه ادبیات پایداری به حساب می‌آوریم.

این بوی ناب وصال است یا عطر گل‌های سیب است
 این نغمهٔ آشنایی بوی کدامین غریب است
 امشب از این کوی بن‌بست، با پای سر می‌توان رست
 روشن، چراغ دل و دست، با نور «امن یجیب» است
 در سوگ گل‌های پرپر گفتیم و بسیار گفتیم
 امروز می‌بینم اما مضمون گل‌ها غریب است
 در مسجد سینه چندی است تا صبحدم نوحه‌خوانی است
 بر منبرگونهٔ شب‌ها، این‌گونه اشکم خطیب است:
 «از سنگ‌های بیابان، این‌گونه ماندن عجب نیست
 از ما که هم‌کیش موجیم، این‌گونه ماندن عجب نیست»
 خشکید جوی ترانه، بی‌گریه‌های شبانه
 این نغمهٔ عاشقانه، سوز دلی بی‌شکیب است
 با اشتیاق زیارت، یاران همدل گذشتند
 انگار تنها دل من، از عاشقی بی‌نصیب است. (علیرضا قزوه)

شناسهٔ اصلی در ادبیات پایداری طبق تعریفی که ارائه گردید، عنصر تعهد است؛ یعنی ادبیات پایداری را نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم می‌دانیم. ادبیات ملتزم بنا بر آنچه در منابع مربوط به نقد ادبی معاصر آمده است، موظف است مانند دیگر شکل‌های عمل، به‌ویژه عمل سیاسی، در تحول تاریخی و اجتماعی شرکت کند؛ در این بینش غرض از ادبیات، تلاش و مبارزه است. تلاش و مبارزه برای نیل به آگاهی، برای تحری حقیقت و برای آزادی انسان و از این‌روست که نویسندگان در مقابل عملی که می‌کند مسئول است؛ برای چه می‌نویسد و دست به چه اقدامی زده است و چرا این اقدام مستلزم توسل به نگارش بوده است؛ زیرا سخن گفتن در حکم عمل کردن است.

در مقابل این دیدگاه و پیروانش، عده‌ای از نویسندگان غربی جبههٔ مخالف التزام را در ادبیات گشودند؛ آن‌ها تحت عناوینی از جمله: رمان نو و نظریهٔ هنر برای هنر، مدعی ادبیاتی سیاسی و اجتماعی شدند و برای آنان مطلوب و مقصود، خود ادبیات و خود هنر بود؛ از نظر آن‌ها صورت (فرم) رمان‌ها و شعرها بسیار مهم‌تر از محتوا و مطالب نهفته در آن است.

به این ترتیب از بین این اظهارنظرها، گروهی ادبیات و سیاست را دو چیز مختلف دانستند و ادبیات را امری ورای امور اجتماعی و سیاسی به حساب آوردند. گروهی ادبیات را برای سیاست خود خواستند و گروهی دیگر اظهار داشتند که ادبیات به محض عرضه شدن، امری اجتماعی است و به این اعتبار، وظیفه‌ای سیاسی و اجتماعی انجام می‌دهد.

بر اساس آنچه از مفهوم التزام و تعهد در پیوند با اهداف بلند و آسمانی ادبیات دریافت می‌شود، نظریهٔ ادبیات متعهد و ملتزم به زمانی برمی‌گردد که بزرگ‌ترین معجزهٔ الهی برای هدایت نوع بشر به وقوع پیوست و قرآن کریم بر نبی مکرم اسلام نازل گردید. قرآن که راهنمای جامع و کامل انسان در هر زمینه‌ای است، در باب شعر به عنوان مظهر اتم کلام ادبی نکاتی را مطرح کرده و تفاوت شاعر و شعر متعهد را از غیر متعهد در آیات مختلف بیان فرموده است. در اینجا تنها به ذکر آیه‌ای که به واژه‌های شعر و شاعر تصریح دارند اشاره می‌شود؛ در قرآن کریم یک بار واژهٔ شعرا، یک بار واژهٔ شعر و چهار بار واژهٔ شاعر آمده است:

◆ وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ * أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ * وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ * إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ * (سورهٔ شعراء، آیات ۲۲۴ تا ۲۲۷)؛

ترجمه: شاعران چون دروغ می‌بافند، گمراهان از آنان پیروی می‌کنند؛

مگر ندیده‌ای که شاعران در هر وادی گام می‌نهند و برای سخنان خود هیچ مرزی نمی‌شناسند و چیزهایی می‌گویند که خود انجام نمی‌دهند؛ جز آن شاعرانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده و پس از آنکه به وسیلهٔ هجو مشرکان مورد ستم قرار گرفته‌اند، با زبان شعر انتقام خود را از آنان گرفته‌اند و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست که به چه جایگاهی باز خواهند گشت.

◆ **وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ** * (سورهٔ یس، آیهٔ ۶۹)؛

ترجمه: ما به پیغمبر شعر نیاموختیم و شایستهٔ او هم نیست. قرآن شعر نیست؛ بلکه مایهٔ تذکر است و کتابی است خوانده شده از جانب خدا و این حقیقتی روشن است.

◆ **بَلْ قَالُوا أَضْغَاتٌ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَاتِنَا بآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ** * (سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۵)؛

ترجمه: مشرکان نخست قرآن را افسون خواندند؛ آن‌گاه گفتند: نه، بلکه رؤیاهایی است آشفته که محمد آن‌ها را وحی الهی پنداشته و خود را پیامبر تصور کرده است؛ بلکه آن را خود بافته و کلام خدا قلمداد کرده است؛ بلکه او شاعر است و قرآنش برخاسته از خیالات شاعرانهٔ اوست و ...

◆ **وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَأْتِيَنَّكَ الشُّعْرَ مَجْنُونًا** * (سورهٔ صافات، آیهٔ ۳۶)؛

ترجمه: و می‌گفتند آیا به راستی ما برای شاعری مجنون معبودانمان را رها سازیم؟

◆ **أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ تَتَّبِصُّ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ** * (سورهٔ طور، آیهٔ ۳۰)؛

ترجمه: بلکه می‌گویند محمد شاعر است، ما اضطراب مرگ او را بر انتظار می‌بریم.

◆ و مَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلاً مَا تُؤْمِنُونَ* (سوره حاقه، آیه ۴۱)؛

ترجمه: این {قرآن} سخن شاعری نیست؛ ولی اندکی از شما ایمان می آورید.

با همین برداشت از قرآن، شعر جهت پیدا کرد و در باب شعر و شاعر بایدونباید و مقصد و مقصود مطرح گردید؛ درواقع این بایدونبایدها مفهوم شعر متعهد را نمایان می کند؛ به طوری که نظامی عروضی صاحب کتاب چهارمقاله می گوید: «شاعر باید سلیم الفطره، عظیم الفکره، صحیح الطبع، جیدالرویه، دقیق النظر باشد و در انواع علوم متنوع باشد و در انواع رسوم مستطرف؛ زیرا چنان که شعر در هر علمی به کار نمی شود، هر علمی در شعر به کار نمی شود؛ و چون شعر بدین درجه نباشد تأثیر او را اثر نبود و پیش از خداوند خود بمیرد».

و عطار نیشابوری، شعر و عرش و شرع را از یک مقوله می داند:

شعر و عرش و شرع از هم خاستند تا دو عالم زین سه حرف آراستند

ادبیات پایداری و به تبع آن شعر پایداری از ابتدای تکوین، تشکیل و تطور مدنیت و فرهنگ و شهرنشینی جوامع بشری وجود داشته و خواهد داشت. تشکیل حکومت های جابر، مستبد، سرکوبگر و قدرت طلب انگیزه ای نیرومند برای ایجاد و توسعه ادبیات پایداری در جهان بوده است؛ کشورهایی که در طول تاریخ با چنین حاکمیت هایی دست به گریبان بوده اند، طبعاً ادبیاتی از این سنخ را بیشتر تولید کرده اند؛ بدین جهت مثلاً کشورهای آمریکای لاتین یا کشورهای آسیایی بیشتر از ممالک اروپایی و آمریکای مرکزی و کانادا ادبیات پایداری را تجربه کرده اند.

۲. ادبیات ایران قدیم

ادبیات فارسی میانه یا زبان پهلوی در دوره ساسانیان بر پایه اوستا و آیین ادب زرتشتی شکل گرفت و تا سه قرن پس از اسلام ادامه پیدا کرد و از این رو می توان عمر این ادبیات را نزدیک به هزار سال برآورد کرد. در دوران ساسانی کتاب های بسیاری به زبان پهلوی نوشته شد که البته بسیاری از آن ها در رویدادهای مربوط به جنگ های ایران و روم و دیگر جنگ ها از میان رفت؛ ولی بسیاری از این ها در دوران پس از اسلام مجدداً به الفبای زند بازنویسی شد؛ این فرایند بازنویسی به دست موبدان و دستوران زرتشتی انجام می شد تا از گزند و آسیب مصون بمانند؛ در همان زمان بسیاری از آن نوشته ها به دست ایرانیان نومسلمان به عربی بازگردانده شد تا مجموعه فرهنگی ایران باستان هم وارد اسلام گردد و هم از خاموشی آن جلوگیری شود؛ این نهضتی بود که به دست ابن مقفع یا همان روزبه دادویه راه افتاد و هم او بسیاری کتاب های فارسی میانه مانند ادب الکبیر (آیین نویسندگی) و ادب الصغیر (آیین نامه نگاری) المنطق (ترجمه ای از کتاب منطق پهلوی ارسطو) و کیله و دمنه را ترجمه کرد.

حنین ابن اسحاق و ابن خردادبه و ثعالبی نیز کتاب های دیگری را ترجمه کردند و از این رو بسیاری کتب دیگر مانند زیج شهریار و هزار و یک شب و گاهنامه و مانند این ها از فارسی میانه (پهلوی) به عربی ترجمه شده و باعث غنی شدن و توانمندی نثر عربی شد؛ در همین اوان کتاب هایی نیز به پهلوی نوشته شد که می توان به آثاری مانند دینکرد و بندهشن و گجستک و ابالیش و ... اشاره نمود؛ همچنین در دوره ساسانی کتاب های اوستا به زبان پهلوی (از اوستایی) ترجمه شد تا همه مردم بتوانند از آن بهره ببرند و آن را بخوانند؛ از این رو کتاب های بسیاری به زبان پهلوی از روی اوستا نوشته شد و همه با هم بر غنا و ارزش ادبی زبان و ادبیات پهلوی افزود.

نام چند مورد از کتاب‌های برجسته فارسی میانه (پهلوی) که به زبان اصلی بجا مانده و به ما رسیده‌اند:

زند اوستا، زند یشت، بُندهش، (داستان آفرینش با پیش درآمدی طولانی)، کارنامه اردشیر بابکان (سرگذشت اردشیر پسر بابک، بنیادگذار دودمان ساسانی)، شاپورگان، کتاب مقدس آیین مانوی، دین کرد (کردارهای دینی)، اردوایرافنامه، (به نظر می‌رسد این کتاب بنیاد کم‌دی الهی دانتیه بوده است.)، پندنامه بزرگمهر بختگان، یادگار زیران (حماسه دودمان زیری)، نامه تنسر، درخت آسوری یا آسوریک (یک داستان ادبی) و ...

۳. ادبیات عرفانی (صوفیانه)

در قرن چهارم صوفیان بیش از پیش به نوشتن رساله و کتاب رغبت نشان دادند. در نیمه دوم قرن سوم مشایخ بغداد، مانند جنید بغدادی و خزاز و نوری، آراء و اندیشه‌های خود را به صورت رساله‌های کوتاه می‌نوشتند؛ اما از اواسط قرن چهارم به بعد نوع ادبی خاصی در تصوف پدید آمد و آن کتاب‌های جامع یا رساله‌های صوفیانه بود؛ این آثار همه به زبان عربی بودند و در قرن پنجم بر تعداد آن‌ها افزوده شد. ابوالقاسم قشیری (درگذشته ۴۶۵ ه.ق) نیز رساله مشهور خود را به عربی نوشت و به همین سبب انتشار وسیعی در مناطق دیگر پیدا کرد؛ اما ابوابراهیم اسماعیل مستملی بخاری، نخستین دایره‌المعارف تصوف را به فارسی نوشت. کشف المحجوب علی بن عثمان هجویری نیز رساله فارسی دیگری بود که در میان صوفیان فارسی‌زبان شهرت یافت؛ ابوحامد غزالی (درگذشته ۵۰۵ ه.ق) نیز پس از نوشتن احیاء علوم الدین به عربی، روایت مختصر آن را به فارسی با نام کیمیای سعادت نوشت. سنت رساله‌نویسی در تصوف در قرن‌های بعد نیز تداوم یافت. معروف‌ترین رساله عربی عوارف المعارف شهاب‌الدین عمر

سهروردی (درگذشته ۶۳۲ ه.ق) است که ترجمه‌های متعددی از آن به عمل آمد که از آن جمله است مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه عزالدین محمود کاشانی (درگذشته ۷۳۵ ه.ق) که خود از جهاتی به منزله کتابی تألیفی و تأثیرگذار است.

رساله‌ها جامع معارفی بودند که مشایخ می‌خواستند شاگردان و مریدانشان آن‌ها را بدانند؛ در این کتاب‌ها هم مسائل اعتقادی مطرح می‌شد و هم مسائل علمی تصوف. تعریف تصوف و معرفی صوفیان بزرگ، بحث معرفت و توحید، بحث احوال و مقامات، بیان آداب عبادت‌ها و رفتار اجتماعی و امور شخصی از قبیل لباس پوشیدن و طعام خوردن، بحث سماع و شعر و آلات موسیقی و شرکت در مجالس سماع و سرانجام تعریف اصطلاحاتی که در میان صوفیه رایج بود، از جمله مطالب اصلی رساله‌ها بود.

رساله‌های صوفیانه که از نیمه دوم قرن چهارم نوشته شدند، حاکی از آن‌اند که اهل تصوف خود را پیروان مذهبی باطنی و عرفانی، با اصول عقاید و آداب و عبادت‌ها و جایگاه اجتماعی و عبادتگاه خاص، می‌دانستند و در مورد مذهب خود برداشتی تاریخی پیدا کرده بودند و می‌توانستند این تاریخ را با معارف پیشینیان خود به نوآموزان انتقال دهند. بعضی از زاهدان و سالکان قرن دوم و صوفیان قرن سوم و اوایل قرن چهارم، برای مشایخ و نویسندگان دوره‌های بعد همواره به منزله بزرگ‌ترین شخصیت‌های تصوف به شمار می‌آمدند و سیره و آداب و رفتار و سخنان ایشان بهترین یادگار و الگو برای مریدان و طالبان طریقت بود.

رعایت آداب خاص برای هر کاری، اعم از عبادت‌های شرعی و اعمال عبادی خاص صوفیه و همچنین رفتار اجتماعی و معاشرت با مردم، به‌خصوص با صوفیان و مشایخ، یکی از اموری بود که مشایخ صوفیه سخت بر آن تأکید می‌ورزیدند. مریدان باید همه فعالیت‌های خود را، چه در خلوت چه در اجتماع، مطابق آدابی که به آنان می‌آموختند، انجام می‌دادند. نماز خواندن، ذکر گفتن، غذا خوردن،

لباس پوشیدن، خوابیدن و از خواب برخاستن، گفتگو با صوفیان دیگر، ورود به خانقاه، چله‌نشینی، به حضور شیخ یا پیر رفتن و با او گفتگو کردن، همه باید مطابق با آداب می‌بود. برشمردن آداب و بحث درباره آن‌ها موضوعی بود که نویسندگان صوفی از قرن چهارم به بعد در آثار خود مطرح کردند و در رساله‌های صوفیانه بخشی را به این موضوع اختصاص دادند؛ بعضی دیگر از این نویسندگان، مانند ابو عبدالرحمان سلمی و ابومنصور اصفهانی (درگذشته ۴۱۸ ه.ق)، نیز رساله‌های مستقلی در این باره تألیف کردند.

۴. ادبیات عامیانه

ادبیات عامیانه یا ادبیات توده، به آن دسته از ادبیات گفته می‌شود که بیشتر به گونه شفاهی از نسل‌های پیشین سینه‌به‌سینه به زمان ما رسیده است و در میان مردم رواج دارد؛ این نوع ادبیات در زبان فارسی به گونه‌های زیادی نمود یافته است، از جمله:

- ◆ مثل‌ها و ضرب‌المثل‌ها؛
- ◆ متلک‌ها؛
- ◆ معماها؛
- ◆ لغزها؛
- ◆ چیستان؛
- ◆ دوبیتی‌ها؛
- ◆ فهلویات؛
- ◆ تقلید از زبان جانوران؛
- ◆ ترانه‌ها؛
- ◆ آوازها؛
- ◆ قصه‌ها؛

- ◆ متل - راز؛
- ◆ حکایات راجع به جانوران؛
- ◆ افسانه‌ها (برای نمونه گوهر شب چراغ، جابلقا و جابلسا)؛
- ◆ تئاتر و نمایش‌های توده (نمایش تقلید، پهلوان کچل، خیمه‌شب‌بازی، تعزیه)؛
- ◆ تصنیف‌های عامیانه؛
- ◆ کتاب‌های تفریحی توده (رمز حمزه حسین کرد، امیرارسلان، چهل طوطی، اسکندرنامه، شنگول و منگول، خاله سوسکه، خسرو و دیوزاد، کلثوم‌ننه، بهرام و گل‌اندام، عاق‌والدین و ...)
- ◆ رمان‌های پهلوانی؛
- ◆ طومارهایی که در قهوه‌خانه می‌خوانند؛
- ◆ نقلی و شاهنامه‌خوانی؛
- ◆ مرثیه در مرگ اشخاص سرشناس؛
- ◆ اشعاری که به مناسبت عید نوروز خوانده می‌شود.

۵. ادبیات علمی - تخیلی

علمی - تخیلی گونه‌ای داستانی است که در ادبیات، هنر، تلویزیون، بازی، سینما، تئاتر و دیگر رسانه‌ها یافت می‌شود. در گونه علمی - تخیلی فناوری یا علوم امروزی یا مربوط به آینده دستمایه هنرمند و آفرینشگر قرار می‌گیرد. ادبیات علمی - تخیلی همان‌طور که از اسمش پیداست، با علم رابطه‌ای تنگاتنگ دارد؛ اما درعین حال در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ زیرا برای نویسنده این‌گونه و نیز خواننده آن خیلی مهم نیست که توجیه داستانی او چقدر با علم منطبق باشد؛ بلکه بخش تخیلی به او این اجازه را می‌دهد تا علم را بر بال تخیل سوار کند و از آن برای پیشبرد داستان استفاده کند.

ژانر علمی-تخیلی، اثری است که در صورت حذف علم از آن، ساختار آن از هم بپاشد؛ اما ابهامی که وجود دارد، مربوط به زمانی است که عنصر خیال چنان با توجیه‌های علمی درهم می‌آمیزد که جدا کردن آن ممکن نیست و ماهیت علمی بودن اثر زیر سؤال می‌رود؛ البته چنین ابهامی معمولاً در آثار علمی-تخیلی نویسان شاخص مانند آسیموف یا آرتور. سی. کلارک وجود ندارد. در اثر علمی-تخیلی نویسنده فکر خود را رها می‌کند تا به آینده برود و آنچه را در اثر پیشرفت علمی امکان‌پذیر شده است به تصویر بکشد؛ نویسنده گاهی تمایلات و آرزوهای انسان‌ها و گاهی بیم‌ها و ترس‌های آن‌ها را بیان می‌کند. ری بردبری، نویسنده آمریکایی و یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان علمی-تخیلی معاصر می‌گوید: هر چه تصور می‌کنیم تخیل و هر چه انجام می‌دهیم علم است؛ کل تاریخ بشر چیزی جز داستانی علمی-تخیلی نیست. ادبیات علمی-تخیلی می‌تواند تاریخ آینده باشد. بسیاری اختراعات و اکتشافات ابتدا در ادبیات علمی-تخیلی چهره نشان داده‌اند و سپس در دنیای واقعی ظاهر شده‌اند.

چند نکته درباره ادبیات علمی-تخیلی:

- ◆ اولین بار در آثار ژول ورن - نویسنده شهیر فرانسوی - بود که سینما و زیردریایی ظاهر شدند.
- ◆ کلمه روبات (روبات) و کاربرد آن به صورت موجودی انسان‌نما اولین بار در اثر مشهور کارل چاپک، نویسنده چک، به نام R.U.R یا کارخانه روبات‌سازی روسوم مطرح شدند.
- ◆ آرتور سی کلارک بود که اولین بار ایده ماهواره‌های مخابراتی را مطرح کرد و حتی به آن جامه عمل پوشانید.
- ◆ کلمه روباتیک و مفهوم امنیت روبات‌ها، هر دو از ایده‌های آیزاک آسیموف هستند.

نویسندگان مشهور علمی - تخیلی

آرتور سی. کلارک، آیزاک آسیموف و رابرت ای. هاین لاین را به‌عنوان سه نویسنده بزرگ علمی - تخیلی تمام زمان‌ها می‌شناسند. امروز تعداد نویسندگانی که کارهایشان را می‌توان در سبک علمی - تخیلی طبقه‌بندی کرد، بسیار زیاد شده است؛ شاید حتی افلاطون، فیلسوف یونانی را بتوان یکی از اولین علمی - تخیلی‌نویسان شمرد؛ چه داستان آتلانتیس را اول بار او نقل کرد؛ اگرچه به‌صورت نقلی از حقیقت. جاناتان سويفت، نویسنده سفرهای گالیور را هم شاید بتوان تا حدی به این سبک داخل کرد؛ فصل سوم کتاب اخیر، جزیره‌ای به نام لاپوتا را توصیف می‌کند که با کمک نیروی آهنربایی عظیم در هوا شناور مانده و حرکت می‌کند.

می‌توان گفت ادبیات علمی - تخیلی در يك قرن‌ی که پشت سر گذاشته بسیار پرقدردت شده و به مدد این داستان‌ها از مرز بین نسل‌ها عبور کرده و به موضوعاتی جهانی نظیر جایگاه انسان در جهان، امکان وجود دنیاهای دیگر و اهمیت مذهب، محیط و سیاست در جوامع انسانی پرداخته است؛ از آنجاکه بیشتر این آثار در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ خلق شده‌اند، این دوره به‌عنوان «عصر طلایی ادبیات علمی - تخیلی» شناخته می‌شود.

علمی - تخیلی در ایران

ادبیات علمی - تخیلی در ایران «ادبیات علمی» (مجله دُراندانه) یا «افسانه علمی» در کتاب خورشید عریان اثر هوشنگ غیاثی‌نژاد، هم خوانده شده است؛ اما اصطلاح «علمی - تخیلی» عامه‌پسندتر و جاافتاده‌تر است. ادبیات علمی - تخیلی در ایران بین طبقه کتاب‌خوان عادی، طرفدار چندانی ندارد و بیشتر با ادبیات کودکان در یک طبقه قرار می‌گیرد که البته استثناهایی هم وجود دارد؛ اما این نوع از ادبیات هنوز در ایران مبدل به جریان‌ی جدا و مستقل نشده است.

۶. ادبیات خیال‌پردازی (فانتزی)

ادبیات خیال‌پردازی، گونه‌ای هنری است که جادو و دیگر اشکال فراطبیعی را به‌عنوان عنصر اولیه‌ی طرح و توطئه، درون‌مایه یا فضای داستان استفاده می‌کند؛ این‌گونه، معمولاً توسط نگاه، حس و درون‌مایه‌ی وسیع از کار اشخاص از گونه‌های علمی-تخیلی و وحشت متمایز می‌شود؛ هرچند که این سه‌گونه نقاط مشترک بسیاری با هم دارند و مجموعاً ادبیات گمانه‌زن شناخته می‌شوند. در خیال‌پردازی قواعد و قوانین فیزیکی و طبیعی زیر پا گذاشته می‌شود و موجودات ناموجود تصویر می‌شوند؛ این نوع ادبی معمولاً شامل سحر و جادو، حوادث خارق‌العاده و موجودات خیالی است.

ویژگی‌های گونه‌ی خیال‌پردازی

ویژگی اصلی خیال‌پردازی، دارا بودن عناصر خیالی در فضایی خود-منسجم است؛ فضایی که منطق و قوانین خاص خود را دارد که متفاوت با منطق عادی است و داستان آن قوانین را نمی‌شکند؛ در این ساختار هر مکانی برای عناصر خیال‌پردازی ممکن است؛ شاید این مکان مخفی باشد یا در جهان ظاهراً واقعی ما رخنه کرده باشد یا شاید کاملاً در دنیایی خیالی رخ بدهد. در هر اثری عناصر نه فقط باید از قوانین پیروی کنند بلکه به دلیل انسجام طرح و توطئه داستان باید شامل محدودیت‌هایی باشد تا به قهرمانان و تبهکاران داستان اجازه بدهد با هم بجنگند. عناصر جادویی باید بی‌قیدوبند استفاده نشوند وگرنه ساختار داستان از بین می‌رود.

انواع سبک‌های شعر در ایران

سبک ادبی چیست؟

معنای واژه سبک در عربی به معنی گداختن و ریختن زر و نقره است ولی ادبای قرن اخیر سبک را مجازاً به معنی «طرز خاصی از نظم و نثر» به کار برده‌اند و تقریباً آن را در برابر style اروپائیان نهاده‌اند (بهار، ۱۳۸۶: ۱۵)؛ شاید به بیان بهتر بتوان گفت که سبک وحدتی است که در آثار کسی وجود دارد؛ ویژگی یا ویژگی‌های مشترک در مجموعه آثار کسی است که در اثر تکرار عوامل یا مختصات در آن‌ها، توجه خواننده دقیق و کنجکاو را جلب می‌کند (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۶). سبک شعر، یعنی مجموع کلمات و لغات و طرز ترکیب آن‌ها، از لحاظ قواعد زبان و مفاد معنی هر کلمه در آن عصر و طرز تخیل و ادای آن تخیلات از لحاظ حالات روحی شاعر که وابسته به تأثیر محیط و طرز معیشت و علوم و زندگی مادی و معنوی هر دوره باشد، آنچه از این کلیات حاصل می‌شود آب و رنگی خاص به شعر می‌دهد که آن را «سبک شعر» می‌نامیم.

انواع سبک‌های رایج در شعر فارسی

۱. سبک خراسانی

سبک و شیوه شاعران خراسان و ماوراءالنهر است؛ در این سبک، سه دوره را می‌توان مدنظر قرار داد: دوره تکوین، دوره سامانی، دوره غزنوی و اوایل دوره سلجوقی. از ویژگی‌های سبک خراسانی که به سبک ترکستانی هم معروف است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف: مختصات زبانی

- ◆ زبان ساده، طبیعی و روان؛
- ◆ تکیه بر قیدها و سنت‌های لفظی و صوری؛
- ◆ عاری از ترکیبات دشوار و سخت.

ب: مختصات فکری

- ◆ این آثار از تسلسل‌های منطقی معانی برخوردار است و به صورتی متین، واقعیت را به شکل دستگاهی منظم و قابل قبول نمایش می‌دهد و شعری واقع‌گراست؛
- ◆ شعری شاد و پرنشاط است و روحیه تساهل و خوشباشی را تبلیغ می‌کند و از محیط‌های اشرافی و تفریح و باغ و بزم سخن می‌گوید؛
- ◆ تلمیح به مضامین قبل از اسلام در اشعار این سبک زیاد به کار می‌رود؛
- ◆ معشوق مقام والایی ندارد و حتی گاهی مقام او پست است؛
- ◆ جنبه‌های عقلانی و تعادل، بر جنبه‌های احساسی و اغراق غلبه دارد؛
- ◆ شعر این سبک شعری برون‌گراست و با مسائل درونی سروکار چندانی ندارد؛

- ◆ روحیهٔ حماسی بر اشعار این دوران حاکم است؛
- ◆ موضوع اصلی مدح ممدوح و سپس وصف بزم می و معشوق است؛
- ◆ اشاره به معارف اسلامی هنوز زیاد نیست؛
- ◆ پند و اندرز در شعر این سبک ساده و عملی است.

ج: مختصات ادبی

- ◆ قالب شعری قصیده است؛
 - ◆ استفاده از بدیع و بیان به صورت طبیعی و معتدل است؛
 - ◆ موازنه در این سبک کاربرد نسبتاً زیادی دارد؛
 - ◆ قافیه و ردیف نسبت به سبک‌های دوره‌های بعد ساده است؛
 - ◆ توصیف در اشعار این سبک زیاد است؛
 - ◆ برخی از بحور و وزن‌هایی در این سبک رایج است که بعدها متروک می‌شود؛
 - ◆ تمام مطلع و مسمط قدیم (شعر مسجع) در این سبک دیده می‌شود.
- این سبک از اواخر سدهٔ سوم تا سدهٔ ششم هجری قمری رواج داشت و پس از آن هم ادامه یافت.

از نام‌آوران سبک این دوره می‌توان به شاعران زیر اشاره کرد:

- ◆ رودکی
- ◆ شهید بلخی
- ◆ ابوشکور بلخی
- ◆ منجیک ترمذی
- ◆ کسایب مروزی
- ◆ دقیقی طوسی
- ◆ فردوسی
- ◆ عنصری بلخی

- ◆ فرخی
- ◆ غضایری رازی
- ◆ عسجدی مروزی
- ◆ منوچهری دامغانی
- ◆ فخرالدین اسعد گرگانی
- ◆ مسعود سعد سلمان
- ◆ امیر معزی
- ◆ ابوالفرج رونی
- ◆ ناصر خسرو
- ◆ سنایی غزنوی

نمونه‌ای از شعر سبک خراسانی:

به خواب اندرون بود با ارنواز
سه جنگی پدید آمدی ناگهان
به بالای سرو و به چهر کیان
به چنگ اندرون گرزّه گوسار
زدی بر سرش گرزّه گاو رنگ
ز سر تا به پایش کشیدی دوال
نهادی به گردن برش پالهنگ
پراکنده بر تارکش خاک و گرد
کشان و دمان از پس اندر گروه
(شاهنامه، ۱/۷۵-۶۶۶)

در ایوان شاهی شبی دیرباز
چنان دید کز شاخ شاهنشهان
دو مهتر یکی کهتر اندر میان
کمر بستن و رفتن شاهوار
دمان پیش ضحاک رفتی به جنگ
یکایک همان گرد کهتر به سال
بدان زه دو دستش بستی چو سنگ
بدین خواری و زاری و گرم و درد
همی تاختی تا دماوند کوه

۲. سبک عراقی

سبک عراقی به مدت سیصد سال از اوایل قرن هفتم تا اوایل قرن دهم در زمان مغولان و ایلخانان مغول و تیموریان سبک رایج شعر فارسی بود. مختصات این سبک عبارت است از:

الف: مختصات زبانی

- ◆ زبان در این دوره از نظر خواننده امروزی مأنوس تر است؛
- ◆ لغات فارسی کهن کم شده و به جای آن لغات عربی رایج شده است؛
- ◆ مختصات آوایی کهن از قبیل تشدید مخفف و تخفیف مشدد و تغییر در شکل کلمات به ضرورت خیلی کم می شود؛
- ◆ استعمال «مر» تقریباً نادر است و واژه های ایدون و ایدر و ابا و ابر و ... بسیار کم به کار می رود.

ب: مختصات فکری

- ◆ دیگر مقام معشوق پست و ناچیز نیست؛
- ◆ برخی مسائل مهم عرفانی چون وحدت وجود، برتری عشق بر عقل، مسئله تجلی و ظهور و ستایش بی خودی و بی خردی و ... در شعر این سبک مطرح می شود؛
- ◆ شعر این سبک برخلاف سبک خراسانی درون گراست؛
- ◆ محزون و غیر رئالیستی است و بیشتر به انفس نظر دارد تا به آفاق.

ج: مختصات ادبی

- ◆ قاف ادبی مسلط در این دوره غزل است؛
- ◆ توجه به بیان و بدیع در این دوره زیاد می شود و شاعران به هنرهای گوناگون که هرگز در شعر سبک خراسانی وجود نداشت، دست می یابند.

از نام‌آوران سبک این دوره می‌توان به شاعران زیر اشاره کرد:

- ◆ سعدی
- ◆ حافظ
- ◆ خواجه‌ی کرمانی
- ◆ عطار
- ◆ مولوی
- ◆ عراقی
- ◆ نزاری قهستانی
- ◆ شیخ محمود شبستری
- ◆ خسرو دهلوی
- ◆ اوحدی
- ◆ کمال خجندی

نمونه‌ای از شعر سبک عراقی:

الا یا ایها الساقی ادر کاسا و ناولها
 به بوی نافه‌ای کا آخر صبا زان طره بگشاید
 مرا در منزل جانان چه امن عیش چون هر دم
 به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید
 شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل
 همه کارم ز خود کامی به بدنامی کشید آخر
 حضوری گره می‌خواهی از او غایب مشو حافظ
 که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها
 ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دل‌ها
 جرس فریاد می‌دارد که بر بندید محمل‌ها
 که سالک بی‌خبر نبود ز راه و رسم منزل‌ها
 کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها
 نهان کی ماند آن رازی کز او سازند محفل‌ها
 متی ما تلق من تهوی دغ‌الدنیا و اهمل‌ها
 (حافظ)

۳. سبک هندی

از قرن نهم هجری به بعد، به دلیل استقبال دربار ادب‌پرور هند از شاعران فارسی‌گوی و همچنین به سبب عدم توجه پادشاهان صفوی به اشعار متداول مدحی، گروهی از گویندگان به هندوستان رفتند و در آنجا به کار شعر و شاعری پرداختند؛ اینان به واسطه دوری از مرکز زبان و تمایل به اظهار قدرت در بیان مفاهیم و نکات دقیق و حس نوجویی و تفنن دوستی و به سبب تأثیر زبان و فرهنگ هندی و دیگر عوامل محیطی، سبکی به وجود آوردند که با نام هندی معروف است.

ضعف تن از تحمل رطل گران گذشت	پیری رسید، مستی طبع جوان گذشت
صدبار از کنار من این کاروان گذشت	در راه عشق گریه متاعی اثر نداشت
روپس نکرد هر که از این خاکدان گذشت	وضع زمانه قابل دیدن دوباره نیست
یا همتی که از سر عالم توان گذشت	طبعی به هم رسان که بسازی به عالمی
در بند نام ماند اگر از نشان گذشت...	در کیش ما تجردِ عنقا تمام نیست
آن هم «کلیم» با تو بگویم چسان گذشت	بدنامی حیات دو روزی نبود بیش
روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت	یک روز صرف بستن دل شد به این و آن
(کلیم کاشانی)	

برخی از ادبا، این سبک را اصفهانی نیز نامیده‌اند؛ این سبک تقریباً از قرن نهم تا سیزدهم هجری ادامه داشت که می‌توان به برخی مختصات آن به شرح زیر اشاره کرد:

الف: مختصات زبانی

- ◆ وسعت دایره واژگان زبانی گسترش یافت؛
- ◆ بسیاری از لغات قدیمی از زبان این سبک خارج شد و لغاتی تازه جای آن را گرفت؛
- ◆ زبان این سبک زبان مردم و نه دربار است؛
- ◆ بسیاری از لغات از زبان‌های دیگر مانند مغولی و ازبکی و ... به زبان این دوران راه یافته است.

ب: مختصات فکری

- ◆ شعر سبک هندی شعری معنی‌گراست و شاعران به معنی بیشتر توجه دارند تا به زبان؛
- ◆ شعر سبک هندی شعر مضمون است و نه شعر موضوع؛
- ◆ افکار و مذاهب و آداب و رسوم هندیان در شعر این سبک حضور دارد و اصولاً یکی از مختصات خاص شعر این دوره، اشاره به هند است.

ج: مختصات ادبی

- ◆ تشبیه اساس سبک هندی است؛
 - ◆ تعبیرات، کنایات ظریف و دقیق و باریک و به‌طور کلی استفاده از بدیع و بیان در این سبک وجود دارد.
- از میان گویندگانی که به این سبک شعر سروده‌اند، نام اینان در خور توجه است:
- ◆ عبدالقادر بیدل دهلوی
 - ◆ صائب تبریزی
 - ◆ حزین لاهیجی
 - ◆ اسیر شهرستانی
 - ◆ کلیم کاشانی

- ◆ نظیری نیشابوری
- ◆ عرفی شیرازی
- ◆ غنی کشمیری
- ◆ وحید قزوینی
- ◆ طالب آملی و...

شاعران این سبک، تکبیتی‌های شیرین و شگفتی سروده‌اند که بسیاری از آن‌ها به‌صورت ضرب‌المثل میان عوام و خواص رایج شده است.

نمونه‌هایی از تکبیتی‌های سبک هندی:

شب سیه مست فنا بود که هشیار شدیم
حیف و صد حیف که مادیر خبردار شدیم

همیشه آتش سوزنده اشتها دارد

پرشکسته خس و خار آشیانه شود

ورنه هر نخلی به پای خود ثمر می‌افکند
به آسیا چو شدی پاسدار نوبت را

همیشه خانه خراب هوای خویشتم

قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب
(صائب تبریزی)

خمیرمایه دکان شیشه‌گر سنگ است
(طاهر وحید قزوینی)

صبح در خواب عدم بود که بیدار شدیم
عالم بی‌خبری طرفه بهشتی بوده است

حریص را نکند نعمت دو عالم سیر

به هیچ جانرسد هر که همتش پست است

دوردستان را به احسان یاد کردن همت است
مگیر از دهن خلق حرف را زنهار

چرا از غیر شکایت کنم که همچو حباب

معیار دوستان دغل روز حاجت است

عدو شود سبب خیر گر خدا خواهد

۴. سبک بازگشت ادبی

از اوایل قرن سیزدهم هجری، پس از تاراج کتابخانه اصفهان و با توجه دربار قاجار و تضعیف جامعه در بسیاری از جهات، تحولی در شعر فارسی پدید آمد و گروهی از گویندگان سبک هندی که به تدریج رونق خود را ازدست داده بود، به این سبک پشت پا زدند و به پیروی از سبک شعرای قدیم از قبیل فرخی، منوچهری، انوری، خاقانی و سعدی پرداختند؛ شیوه شاعری این نوخاستگان را «بازگشت به سبک قدیم» نامیده‌اند. شاید بهتر باشد در ادبیات، بازگشت به سبک قدیم به‌عنوان یک دوره محسوب شود و نه یک سبک خاص؛ چنانکه در کتاب سه‌جلدی سبک‌شناسی استاد ملک‌الشعراى بهار، انواع سبک‌های شعر فارسی، از ابتدای قرن سوم و حضور رودکی تا قرن حاضر، به چهار دسته تقسیم شده‌اند.

الف: مختصات زبانی

- ◆ زبان شاعران این سبک ابتدا خام و ابتدایی است؛ اما به تدریج و با ممارست از این حالت خارج شده و شکل کامل تری به خود می‌گیرد؛
- ◆ بسیاری از ویژگی‌های فراموش شده زبان که از قرن ششم به بعد فراموش شده بود، در شعر دوره بازگشت دوباره رواج می‌یابد.

ب: مختصات فکری

شاعران این سبک سعی می‌کردند همان افکار مرسوم در عهد غزنوی و سلجوقی را در اشعار خود به نمایش بگذارند تا هرچه بیشتر شعر به اسلوب قدما شباهت داشته باشد.

ج: مختصات ادبی

قالب شعری رایج در این دوران قالب‌های قصیده و غزل است؛ بعضی از شاعران این سبک مانند عهد غزنوی قصایدی ساده می‌سرایند و برخی